

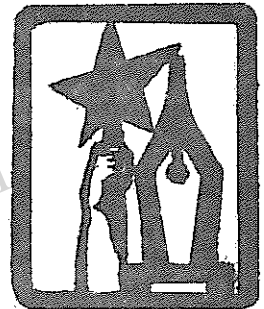
سال سوم، شماره ۹۸
دو شنبه ۲ شهریور
۱۳۶۰

رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

نگاهی به 'میثاق' بنی صدر 'برای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی' و گذشته بی افتخار او



واقصی)) یاری رسانند و به قیمت جان‌فروشی در پیروز گردانیدن انقلاب ((اسلامی)) بکوشند تا و نیز سرفروخته‌ها را از استقرار جمهوری اسلامی "واقصی" و با توسل به "اسلام راستین" از طریق ایجاد "منبت" و برقراری "حاکمیت قانون" به نوع دیگری به سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی بپردازد و آنچه را که رژیم اسلامی ویرانگر خمینی فرصت نکرده به نابودی بکشانند و راه لاقط و درنورده طاه اول استقرار حاکمیت ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

بنی صدر، پس از اینکه در جدال خود با جناح دیگر حاکمیت بر سر تقسیم "عادلانه" قدرت با شکست مواجه شد، پس از اینکه بدستور خمینی از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری معزول شد و "آرمان سی ساله" (۱) خود را بر باد رفته دید، در ۲۷ تیرماه ۶۰ از مخفیگاه خود در تهران به "میثاق" تشکیل شورای ملی مقاومت برای استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران" راه‌پیمایی کرد.

همانطوریکه در سال ۵۲، خمینی با نشان دادن دریاغیهای صهیونیسم، با دروغ باقی‌مانده و عوام ("عوامی") فریبی‌ها را از تمام نیروهای سیاسی و از اقشار و طبقات جامعه میخواست که "همه باهم" با "وحدت کلمه"، برای سرنگونی رژیم جنایتکار پهلوی قیام کنند (این شیوه بزرگ، نه تنها از هرگونه حمله به کمونیست‌ها و نیروهای شرقی دیگر خودداری میکرد بلکه آزادی همهگونه فعالیت‌های سیاسی را به آنها داده میداد) تا سرفروخته رژیم جنایتکار ولایت فقیه را بر سر کار بیاورد؛ امروز نیز رژیم جمهوری معزول جمهوری اسلامی از "همه" گروه‌ها و احزاب سیاسی و دستجات و انفرادی میخواهد که "برغم همه خطرها" (۲) در این کوشش بزرگ ((استقرار رژیم جمهوری اسلامی

در صفحات دیگر:

- ❁ رودن ناوجهی تبریزین: آخرین دسته-گل "ارتش مکتبی"
- ❁ فرار یک رفیق کمونیست از زندان کعبه مرکزی مشهد
- ❁ اخبار

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

نگاهی به * * *

(تا قبل از اینکه پایه های تخت فرماندهی و ریاست بلرزه درآید) ، در کلیه جنايات رژيم سهيم و شريك بود و حتي در موارد بسيار بطوري كه خواهيم ديد ، از طراحان و مجريان اين جنايات بشمار ميرفت . بنی صدر نیز در يك به يكسال پيش (۱۷ شهريور ۵۹) ، صد البته نجات طر توده ها بلکه بدليل جاه طلبی و حفظ قدرت ، بفكر دفاع از آزاديها و افشا شكنجه زندانيهای غيرقانونی و مقاومت در مقابل حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و از دو ماه پيش ، بنابه نصايح زتش ، بفكر مبارزه با بزرگ مرتجع آيت الله خمینی ، افتاد . بنی صدر نیز در ماه اول استقرار حاکميت جمهوری اسلامی ، هيچگاه به ماهيت سرکوبهای جنايتکارانهی رژيم اعتراض نکرد فقط گاهی ، اینجا و آنجا ، عدم موافقت خود را بسا شیوهی این سرکوبها اعلام میداشت . مگر فراموش کرد مايم که او در مورد کتار وحشيا نهمی چهارتن از رهبران خلق ترکمن توسط سپاه پاسداران ، پس از ايزاد اتهامات و فيحانه به آنها و به زحمتکشان ترکمن چه گفت :

" منم اگر قاضی بودم اين چهار نفر را به اعدام محکوم میکردم ."

بنی صدر در میثاق (مانند جریان انتخاب ریاست جمهوری) ، همه چیز را به همه کس وعده میدهند ولى از آنجائی که دروغگو کم حافظه است و بسا آنچنان وقیح است که نمیتواند و نمیخواهد بسه خاطر بیاورد که قبل از این دو تاریخ ، چه گفته و چه نیندته است و عملکردهای ضد انقلابی (و نه انقلاب اسلامی) او در این دوره (دورهی خیانت برداشتن بخرف قدرت و دورهی اوج افتدار) ، تطبا با مخایر با این ادعاهاست . بنی صدر بخاطر خصلت بزرگوئی و پرت ویلا نویسی و عملکرد ضد انقلابی اش ، آنچنان مع خود را باز کرده است که امروز مشکل بتیاند فرصت طلبانه با ادعاهای دروغین ، مسیر مبارزات توده ها علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی خمینی را بسوی ناکجا آباد جمهوری اسلامی دیگری ، منحرف کند .

بنی صدر ، یادوی سابق ولایت فقیه و یکی از اصلاح " مثلث بین " که دریاه گذاری رژیم منقور خمینی نقش اساسی داشت امروز که بسا اشارهی فقیه ، از صحنه خارج شده است ، در " میثاق " خود ، از " استبداد فقیه " ، استبداد رای آقای خمینی ، و ولایت استبدادی نام میبرد . ماد مقاله ای حاضر ناگهانی به " میثاق " بنی صدر " برای استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی " به اختصار به گذشتهی بی افتخار او نیز نظری خواهیم انداخت .

استقلال

" قطع وابستگی و " استقلال " از جمله مفاهیمی است که در هر صفحهی " میثاق " و ظالبا چند بار تکرار میشود . اما واژهی " امپریالیسم

چه در میثاق و چه در نوشته ها و سخنرانیهای دو سال و نیم اخیر او ، واژه ای نا شناخته بسا فراموش شده است و بجای آن از " نه شرقی نه غربی " و یا " دوا بر قدرت روسیه و آمریکا " استفاده میکند .

بنابه اینکه بنی صدر در چه دوره ای از مسام تریبی و فرصت طلبی قرار داشته باشد ، امپریالیسم مفهوم متفاوتی بخود میگرد .

قبل از قیام ، در کتاب " اقتصاد تهرینی " از " مبارزه طبه ابر قدرت تپا " و در دوره ای اول اسیر قدرت شوروی سوسیال امپریالیست سخن میگفت .

بعد از قیام ، در جوش پیدا ضد امپریالیسی حاکم بر جامعه ، " دوا بر قدرت آمریکا و روسیه " را در کنار هم قرار میداد . ویژه بهنگام ماجرای گروگانگیری ، " از گورها " (امپریالیست ها) ی اروپایی و ژاپنی میخواست که حساب خود را از " دولت " (امپریالیست) آمریکا جدا کنند و ایران را برای رسیدن به استقلال و قطع وابستگی ، کمک کنند . او در ماهی ای بسا خبرنگار روزنامه ای ایتالیایی " استاها " ، زنگیر های اروپایی مشخصا از انگلستان ، فرانسه ، آلمان و ایتالیا ، درخواست کرد که او را " پاسوری دهند " (ندای آزادی ، ۵۹/۲/۲۷)

و امروز ، در " میثاق " بی آنکه به " شوروی سوسیال امپریالیست " یا " ابر قدرت روسی " بسه " کشورهای اروپایی " کاری داشته باشد ، در هر صفحه چند بار به " دولت آمریکا " حمله میکند . تا جایی که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی را بکرات بطور مستقیم و غیر مستقیم ، در خدمت سیاست آمریکا میدانند که چند هارت از آنهارا نقل میکنیم :

" . . . از نو بیاد بیاوریم و بهنجوم چه کسی و چه گواشهایی ((" مواضع دست با بستی آمریکا به هدفهای)) را زیر پا گذاشتند و عملا به خدمت سیاست آمریکا درآمدند . دو سال و نیم پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی ، بنی صدر ناگهان در مخفیگاه خود در تهران بیاد میاورد که رژیم خمینی با توافق امپریالیسم آمریکا بسر کار آمد :

" لازم بیاد آوری است که مشاوران آقای خمینی ، از داخل به ایشان خاطر نشان میساختند که رژیم شاه رفتنی است بشرط اینکه ایشان به آمریکا حمله نکنند ."

و در جای دیگری ناگهان تنبیه میشود : " خست تظاهر طلبی با آمریکا (با تحکوم وابستگی بسا تظاهر به مخالفت) در جمهوری انقلاب حاکم شده است ."

هر چند بنی صدر به واژهی " امپریالیسم " التفاتی ندارد ولی به واژهی " استقلال " شدیدا مشق میورزد ! او چه در اوج قدرت و چه در زمان برکتاری از قدرته این واژه را هرگز فراموش نکرد . اگر بنی صدر در " میثاق " از " قطع وابستگی " و " استقلال " به کس باقی و درهم گویی اکتفا میکند ولی در اوج قدرته تصور روشنی از " استقلال " و " قطع وابستگی " بدست میداد : یاری خواستن از امپریالیستهای " خوب " اروپایی و

ژاپنی .

آقای بنی‌صدر در روز قبل از مراسم تحلیف ریاست جمهوری و پسیدن دست‌آسمان امت در محاصره ای با نارنجی و خبرنگار روزنامه‌های اطلاعات در مقابل این سؤال که جمهوری اسلامی چه وقت به "قطع وابستگی" و "استقلال" خواهد رسید، جواب داد:

"... لیکن این امر زطن لازم دارد و بسا اجرا برنامه‌های کار بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، انشاءالله به کلیه‌ی وابستگیها بایان داده خواهد شد." (اطلاعات ۱۶ بهمن ۵۸)

بدیگر سخن و زحمتگان ایران مدت بیست‌سال دیگر مورد استعمار امپریالیتهای "خسروب" اروپایی و ژاپنی قرار خواهند گرفت و بیست‌سال اجرا برنامه‌های کار بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران هم تازه، "انشاءالله" یعنی اگر پس از بیست‌سال، نظرخداوند بر قطع وابستگی جمهوری اسلامی ایران تعلق نگرفت، اجرا برنامه‌های کار بیست‌ساله می‌تواند تجدید شود.

آزادی

بنی‌صدر در طی دوره‌ی جدال ده ماهه‌ی خود با حزب مرتجع و ضدانقلابی جمهوری اسلامی و با استظاده از جو شیدا ضدآخوندی جامعه و نقاب آزادیخواهی به چهره زد. ما در صفحات "رهایی" بارها طمیت ریاکارانه و دروغ باقانسسه‌ی "آزادیخواهی" بنی‌صدر بنی‌صدرها را به نطایش گذاشته ایم و در یکی از مقالات رهایی نوشتیم که آزادی خوشت ولی بنی‌صدر رهسازا در وقتگینده آزادیخواه نیستند. برای بسازرگان ها قطب زاده ها و بنی‌صدرها برای ایمن نوکران سابق ولایت فقیه، این تیاخوردگان از امام امت، ایس و اماندگان سیاسی، ایمن نطابندگان مفلوک و حقیر و زبون بورژوازی ناقص، الخلقه و بی هویت جوامعی مثل ایران و ایمن رونیشتهای نابرابر با اصل دفاع از آزادی نه تنها یک وسیله بلکه بیشتر یک بهانه است، بهانه ای برای نتیجه بی‌ریختگی و بی‌مرضگی‌شان.

هیچ انسانی به اندازه‌ی یک کمونیست، صادقانه طاشق آزادی نیست چرا که آزادی را نه برای خود و نه حتی فقط برای مردم کشور خود بلکه برای تمامی بشریت در بند، میطلبند. و آن چه به هستی‌اش معنا میبخشد، مبارزه بخاطر آزادی و بالندگی و شکوفایی انسانها و رهایی آنها از هرگونه استعمار و ستم جوامع طبقاتی است. در کمتر شماره ای از "رهایی" است که ما در دفاع از آزادیهای دموکراتیک و برداشت کمونیستها از آزادی‌نهمختوان یک وسیله بلکه بعنوان یک هدف، سخن نگفته باشیم. در کمتر شماره ای از "رهایی" است که ما با کج اندیشی ها و درهم گویی های آن دسته از کمونیستها که دفاع از آزادیهای دموکراتیک برایشان اخ بود

(و هست) چرا که مارکسیسم - لنینیسم را بسه جای مارکسی و انگلیس و لنین، از استالین و مائوآموخته اند. برخورد نکرده و برخورد جدایی ناپذیر مبارزه بها طرف دموکراسی / مبارزه ضد امپریالیستی / مبارزه طبقاتی و ضد سرطانی داری) را نشان نداده باشیم.

بنی‌صدر که مدت ۱۹ ماه (از بهمن ۵۷ تا شهریور ۵۹) یعنی بیست‌سال اعلام ظنی و جدال و جناح سابق حاکمیت یا در مقابل شکنجه ها و جنایات ترورها، اعدامها و دستگیریها و سرکوب کارگران و روشنفکران و زنان و جوانان انقلابی صلح و آرمندان و نیروهای انقلابی و دموکرات و خلقهای تحت ستم پیشی درها نپیا و شکستن قلبها و دهها و صدها جنایات مشابه و مصلحت اندیشانه خفتن گرفته بود و با کاسه صلح و شریک جناح دیگر حاکمیت در رایسین جنایات بود و یا حتی در رهبری نیز بیست‌سال خوشخدمتی و از باب هم گاتیک تر یعنی از همین هم مرتجعتر میشد و ناگهان در روز ۱۷ شهریور ۵۹ و نقاب "آزادیخواهی" به چهره زد و کم کسم توده هائی را که از اقداماتش در دموکراتیک رژیم بجان آمده و توهم خود را نسبت به رسکفت بخش از رژیم از دست داده بود به طرف خسود جلب کرد. در باره ای از سخنرا نپیا و د رتجیر ان و پیش از یک میلیون نفر جمع میشدند.

هرچه جناح دیگر حاکمیت عملات خود را شد بدتر و قدرت رئیس جمهوری را محدودتر میکرد. بنی‌صدر بیشتر در رنای سرکوب آزادیها و نوجه سر میداد و هر وقت این جدا لیا موقتاً تخفیف مییافته استعداد بنی‌صدر در سرودن قولهای ماضقانه در ستایش آزادی میخکند. بالاخره وقتی زفوط نند، هی کل قوا و ریاست جمهوری منزول شد و اینبار همه سرودن شعار حماسی در جناح "ایستادان" و "استقامت کردن" برداخته. "مناطق آزادی" آقای بنی‌صدر، ثمری یکی از این حالات شوا نسی جدید است. در توضیح صفتی ای از مناطق نیست که واژه‌ی "آزادی" چند بار تکرار شده باشد. اگر از مبارات کلی نظیر نبود "اندام بخاطر جرایم عقیدتی" نبود "زندانی سیاسی" و غیره. در جمهوری اسلامی "واقعی" (که همین نوزده رسال ۵۷ همه آنها را بد قیامت دیده داده بود) که بگذریم، فقط در یکجا است که مفهوم "آزادی" و بر داشت این "نبرهان آزادیخواه" از آزادی، موضوع متعلق میشود.

بنی‌صدر در رنجایی از "مناطق" و "آفسنای خمینی" را مورد سرزنش قرار میدهد که رنده های خود را در مورد آزادیها که ایشان (پهنسی آقای بنی‌صدر) در وقته وین آنها شرکت فمسال داشته - بکوره پایمال کرده است. و ایمن آزادیها که "همه و همه امروز پایمال شده اند" به اسم اسلام پایمال شده اند. رئیس جمهوری منتخب و مورد اعتماد خود نه بخاطر بروز سیاه نشستن مردم و برانی گسور و بلکه بخاطر "نبرد هائی" که به اسلام وارد شده شد پیدا متاثر است.

" و سلب شد نشان ((آزاد بیا)) از سر به -
 های است که به اسلام وارد شده اند .
 اما بهینیم آن آزاد بیا کدامند :
 بالا و یاشین "آزاد بیا" ادعایی بنی صدر
 و سرزنش به خمینی در "سلب شان" همین چهار
 مورد است . سه نقطه .

"آزاد بیا" پیش برای زن و مرد ، "آنهم امروز
 ریاکارانه از طوف کسی مطرح میشود که تا
 همین چند وقت پیش معتقد بود که : "از نظر
 علمی ثابت شده که موی زن ایجاد شده میکند
 و باعث تحریک مرد ها میشود ."

"آزاد بیا" تحصیل ، "آزاد بیا" تحصیل چی ؟
 تحصیل علم یا تحصیل مال ؟

"آزاد بیا" فرهنگی اقوام . گویا که مبارزه
 خلقها (یا بقول بنی صدر : اقوام) ، پیوسته
 خلق قبرمان کرده فقط بخاطر کسب آزادی
 های فرهنگی است .

"آزاد بیا" انجام فرایض مذهبی برای مذاهب
 مختلف . هرگونه سرکوب آزادیها که وجود
 داشته باشد ، لااقل تا این لحظه ، آزادی
 انجام فرایض مذهبی نه تنها برای مذاهب
 اسلامی (به استثناء بهائیت) بلکه برای
 ادیان دیگر از جمله مسیحی و زرتشتی و یهود
 دی ، سلب نشده است .

همین چهار مورد بالا + چند نقطه ، و السلام
 بحث "آزاد بیا" آقای بنی صدر تمام است .

جمهوری اسلامی

عده ترین ایراد بنی صدر به "آزاد بیا" خمینی
 که در "ميثاق" بدفعاات و در اشکال مختلف
 تکرار میشود اینست که خمینی آن وعده های بی را
 که عهد تا برای ایجاد یک جمهوری اسلامی واقعی
 داده بود ، زیر پا گذاشت . برای آقای بنی صدر
 اینهمه ویرانی ، خرابی ، کشتار ، آوارگی ، فساد
 بدبختی و بیگاری ، انواع و اقسام ظلم و بیستاد
 گری و بهره کسی . . . (که خود او را ایجاد آنها
 غالبا سهیم بود) ، چندان مهم جلوه نمیکند ،
 مسأله واقعی مهم اینست که :

" رفتار امروز آقای خمینی . . . موجب بی
 اعتباری اسلام و سخت ترین ضربه ها به
 آست ."

یا :
 " اگر به حال و روزی که اسلام در نظر من
 جوان کشور و مردم دنیا پیدا کرده است
 توجه کنیم به خطر استبداد شخصی . . .
 بی میریم ."

و :
 " جای بسیار تأسف است که وی ((خمینی))
 این سخن ((نصایح بنی صدر)) را شنید
 و با اسلام و کشور و شخصیت خویش کرد
 آنچه کرد و میکند ."

چه باید کرد ؟ آقای بنی صدر در ميثاق خود
 میگوید :

" در مقام انسان مسئول و منتخب و طرف
 اعتماد شما مردم ، بر آن شدم که راه
 استقامت را در پیش بگیرم و برای نجات
 انقلاب ((اسلامی)) و تدایم آن ، اصولی
 را که پیش از انقلاب پذیرفته شده بودند و
 طی دو سال و نیم ازین برده شده اند
 در این ميثاق تنظیم کنم و از همه و همه
 بخوابم بدان بپیوندند ، انرا اضیاً
کنند و با تمام جان و دل در تحقیق آن
بکوشند ."

درست همان فرمول خمینی در سال ۵۷ است که
 میخواست " همه با هم" ، " وحدت کلمه" را حفظ
 کنند و رژیم آریا مبری را سرنگون سازند بی آنکه
 بدانند چه چیزی جایگزین آن خواهد شد . اشتباه
 بنی صدر را اینست که سال ۶۰ ، ۶۱ سال ۵۷ نیست و
 توده ها ، دو سال و نیم تجربه بسیار تلخ و در
 همین حال بسیار گرانها از یک رژیم مذهبی را
 پشت سر گذاشته اند . بیکار فریب یک آیت الله
 العظمی را خورده اند و مشکل بتوان تصور کرد
 که دیگر بار ، بدام پادوی سابق او برفتند و بهر
 تقدیر این وظیفه میهم نیروهای انقلابی پیوسته
 کمونیستهاست که متحداً از تکرار یک فاجعه
 یعنی برقراری جمهوری اسلامی به نوبه دیگر ،
 جلوگیری کنند . مبارزه علیه رژیم جمهوری
 اسلامی و سرنگونی آن آری ، استقرار جمهوری
 جمهوری هرگز .

بنی صدر در جای دیگر از " ميثاق استقلال ،
 آزادی ، جمهوری اسلامی" مینویسد :

" ملت ایران با ملاحظه این اصول
 ((ميثاق)) . . . باید یکبارگی برای عطی
 ساختن این اصول قیام کنند ."

بنی صدر برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
 خمینی و استقرار جمهوری اسلامی نوین ، معتقد
 است که باید یک " جبهه سیاسی" تشکیل شود که
 شرکت معتقدین به "استقلال ، آزادی ، جمهوری
 اسلامی" در آن یک تکلیف است :

" . . . هر همة گروهها و گرایشها و احزاب
 معتقد به استقلال ، آزادی ، جمهوری
 اسلامی ، کوشش برای ایجاد این جبهه ،
 فریض است ."

مخاطب ميثاق همه جا ، " زنان ، مردان ، گروهها و
 احزاب سیاسی طرفدار استقلال ، آزادی ، جمهوری
 ری اسلامی" است . این ميثاق در واقع توسط بنی
 صدر و خطاب به سازمان مجاهدین و گروههای
 مذهبی نظیر نهضت آزادی ، جفا ، طرفداران دکتر
 شریعتی ، آرمان مستضعفین ، افراد و شخصیتهای
 مذهبی ، نیمه مذهبی و یا هنوز متوجه به "اسلام
 راستین" نوشته شده است ، برای کسانی که "اصلاح استین"

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان : انقلابی دگر باید

خمینی را قبول ندارند و درصد استقرار حاکمیت یک جمهوری اسلامی نوین و ایجاد توهم جدید میباشند .

مخاطب این " میثاق " بهیچوجه کمونیستها نیستند ، نه فقط از این جهت که بنی صدر آنها را در " میثاق " بدفعات کنار میزند :

" باورم اینست تنها مردمان و گروهها و افرادی میتوانند بمنوان پیشگام انقلاب ((اسلامی)) متحد عمل کنند که این میثاق را بپذیرند و صمیمانه برای تحقق آن تلاش کنند" (۳۰)

و نه فقط از این جهت که کمونیستها هیچ قشری از بورژوازی (از جمله خرده بورژوازی دموکرات) را طرفدار پیگیر " استقلال و آزادی " نمیدانند بلکه به این دلیل بسیار مهم (بیگانه پس از تجربیات تلخ و گرانمایه ای دو سال و نیم اخیر) که کمونیستها برای استقرار یک رژیم مذهبی ، یک جمهوری اسلامی (چه از نوع قدیم و چه از نوع جدید) مبارزه نمیکند و نمیخواهند که زحمتگاران جامعه ، از جالهی جمهوری اسلامی خمینی به جای جمهوری اسلامی بنی صدر و متحدین متوهم آن بیفتند . زیرا اگر " جامعه ای صد درصد اسلامی " خمینی یکسال هم طول نکشد که ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی و ضد مردمی خود را به نمایش بگذارد ، جمهوری اسلامی در " جامعه ای توحیدی " یا در " جامعه ای بی طبقه توحیدی (و یا احتیاطاً تلفیقی از این دو) ، سالها میتواند زحمتگاران جامعه را بد شمال سرباز بکشد و بالاخره تشنه و ناامید برگرداند .

پیش بینی های علمی

" راه علمی " ، " روش علمی " ، " تحلیل علمی " ، " پیش بینی علمی " ... از عبارات بسیار مسرود و غلطی آقای بنی صدر است که در سخنرانیهها و نوشته ها و در " میثاق " ، فراوان بچشم میخورد . الحق آقای بنی صدر مانند آقای دورینگ بسیار به " علم " علاقه دارد . و مانند او میکوشد که علم را درگون کند . البته تشابه آقایی بنی صدر به آقای دورینگ ، یک تشابه صوری است . استاد بنی صدر " را از نظر " علمی بیشتر میتوان به علمای حوزهی علمیه قم تشبیه کرد .

آقای بنی صدر در " میثاق " مدعی است تمام آنچه در ایران گذشته و یا میگذرد ، نه فقط " چندسال پیش از انقلاب " بلکه بویژه در دو سال و نیم اخیر ، از طریق " روش علمی " پیش بینی کرده و آنرا بارها به " مسئولان " خصوصاً به آقای خمینی " متذکر شده است . و دریا قبول این ادعاها - که در واقعهای درسته عنوان شده اند - با " آقای خمینی " و " مسئولان " است (که عده ای از آنها نظیر " بهشتی مظلوم " ، با نیشها ن شریعت شهادت ، دارقانی را و داع گفته اند) ، از

این " پیش بینیهای علمی " صحرا نه که بگذریم و خرابیها " پیش بینی علمی " دیگر وجود دارد که در مجامع عمومی عنوان شده و در رهبا توقفت در روزنامه ها انتشار یافته اند . برای اینکسند در زمینهی ضمانت اجرا ، عده های توحالی و " پیش بینی های علمی " مندرج در " میثاق " بنی صدر محکی بدست دهیم ، پاره ای از آنها را در زیر نقل میکنیم . توضیحا اضافه کنیم که بنی صدر " پیش بینی های علمی " زیر را نه در زمان مفضوب شدن و شیبا خوردن ، بلکه در ایام دروزگسی و پادویی ولایت فقیه عنوان کرد ، در زمانی که در اوج قدرت و مورد اعتماد کامل " اطام است " بود . هفته ها و ماههای اول ریاست جمهوری او را میگوئیم :

- " سالهای بیکاران طبق برناهه باید تا سه ماه دیگر انشاءالله بگلی حل شود . " (بامداد ۲/۱۳/۵۸)
- " مساله نان و گوشت تا قبل از صد عمل میشود . (سخنرانی بنی صدر در مجمع بازاریان در پیرو خط اطام ، بامداد ۵۸/۱۲/۱۶)
- " امیدوارم اصالح ((سال ۵۹)) آخرین سالسی باشد که شیبا مردم در این زافه ها در دستهای محرومیت زندگی میکنند " (سخنرانی بنی صدر در اول فروردین ۵۹ در مجلس آباد تهران پارس ، اطلاعات ۵۹/۱/۶)

و در همانجا ، برای بقیه مردم ، " زمینهای آباد ، خانهای خوب و زندگی مرفه " را برای همان سال وعده داد .

- " سال آینده ((سال ۵۹)) از نظر تولید و محصول سال خوبی خواهد بود . " (اطلاعات - ۵۸/۱۲/۱۶)
 - " اصالح ((سال ۵۹)) کشور را از خرید کند م بسی نیا راست " (سخنرانی بنی صدر در نوشهره انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۲۹)
 - " روستایان ما که میخواهند از زمین استقا ده کنند ، امیدوار باشند که در سال جدید ((سال ۵۹)) مساله ای بنام زمین نخواهیم داشت . " (سخنرانی بنی صدر اولین نماز جمعه سال جدید در دانشگاه تهران اطلاعات - ۵۹/۱/۶)
- ناگفته پیداست که هیچ یک از این " پیش بینیهای علمی صحیح از آب در نیامد !

زحمتگاران شهری و روستایی

بنی صدر همانطوریکه در " میثاق " مفاهم عام و مبتدلی از " استقلال " و " آزادی " بدست میدهد در زمینهی مسایل اقتصادی جامعه نیز به کلی باقی و در هم گویی نظیر اراشهای را ت بی محتوی و پو بولیشنی زیر اکتفا میکند :

" برای بازگرداندن انقلاب به مجرای اصلی خویش ، اصل قرارداد ن نظام اقتصاد اسلامی برای زمین بردن هرگونه حاکمیت اقتصاد ای گروهی بر گروه دیگر و بدید آوردن امکان برابر بیهای رشد افراد جامعه ضرورت تمام دارد . "

بنی صدر در " میثاق " بلند بالای خویش ، در سامری وضع زندگی زحمتگاران شهری و روستایی در جمهوری اسلامی نوع جدید و حرفی برای گفتن ندارد . اما

پیش بینی تدارک انقلاب سوسیالیستی

شوراها

بنی‌صدر در اوج قدرت خود، بهترین حملات را به شوراهای کارگری، دهقانی، پادگانسی و دانشجویی، دانش‌آموزی و کارمندی و غیره میکرد و در سرکشی آنها نقشی کمتر از حزب منفی‌سور جمهوری اسلامی نداشت. و این عبارت فصیح و مصروف‌ا و درازدهان توده‌ها نقش بسته است که: "شورا پورا مالیده!" یا اینهمه در "میثاق" خود موافق‌بانه و بشیوه‌ای موزیانه چنین القا شبهه میکند که گویا او میخواست نظام مشورایی برقرار شود ولی دیگران نخواستند:

"در اوایل انقلاب کوششهایی بعمل آمد تا شورا در قلمروهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بصورت ریش‌اداره و رهبری افعال گردد اما در برابر تطایل به استعداد فردی و گروهی دوام نیاورد و متروک شد." البته بنی‌صدر در "میثاق" خطه‌ی مجدد به شوراهای واقعی کارگری، دهقانی، پادگانسی و غیره را فراموش نفرماید و آنها را "وسیله‌ی افعال سیاستهای گروهی سیاسی... و بسا استبداد اعضا شورا" قلمداد میکند. و بالاخره در همان "میثاق آزادی" باضک و دودلی نتیجه میگیرد:

"اگر بخواسیم در اداره و هر نسوع اداره‌ای اصل را بر شورا بگذاریم، چاره‌ای نداریم مگر آن اصول ((؟)) را با دقت و قاطعیت اجرا کنیم."

به دیگر سخن، اگر ساله‌ی "اگر" حل شود، در ادارات، کارخانه‌ها، روستاها، سربازخانه‌ها و دانشگاهها و غیره میتوان "شوراهای اسلامی" جدیدی به مصداق آیه‌ی شریفه‌ی "و شاورهم فی الامر" (یعنی در بهترین حالت یک ارگان مسوود مشورت، نه تصمیم‌گیرنده) بوجود آید که این بار بجای وابستگی به حزب جمهوری اسلامی، به جناب بنی‌صدر و بوروکراسی اسلامی ایشان وابسته باشد. ولی اگر این شوراها پا را از گلبم اسلامی خود به بیرون بگذارند و بخواهند به شوراهای واقعی نزدیک شوند، دوباره برمیگردیم بهمان اصل مصروف: "شورا پورا مالیده!"

توضیحات

(۱) بنی‌صدر روز اعلام نتیجه قطعی انتخابات ریاست جمهوری در طی صحابه‌ای اعلام داشت:

"... از همانوقت هم ((از زمان حکومت دکر صدق)) بعضی بشوخی و بعضی هانیمه جدی در مقابل تطایل من به رهت ست جمهوری صحبت میکردند، بنا بر این، آنچه برای من پیش آمد راست تحقق یک آرمان سی ساله بیه در صفحه ۸

برعکس، در زمانی که بحیال خود بطرف قبضه کردن تمام اهرمها و قدرت پیش میرفت، در این زمینه چه زیاد و چه صریح سخن گفته است. بعنوان نمونه در عبارت از "متفکر اقتصاد توحیدی" را در زیر نقل میکنیم: "زمین در ایران زیاد است. به هم زمین میسود. آنهایی که زمینهای بزرگ دارند هیچ نگران نباشند." (کبهان - ۵۸/۱۲/۱۲)

او با "نگران" نکردن زمینداران بزرگ میخواست کشاورزی ورشکستهای ایران را نجات دهد، وابستگی به مواد غذایی از خارج را قطع کند و به "استقلال" و "خودکفایی" و نتیجتاً به "جامعه‌ی توحیدی" برسد.

در سخنرانی خود در جنوب شهر، آب پاکسی را روی دست زحمتکشان شهری میریزد:

"زیادی بخودتان وعده ندهید، ما خدا نیستیم که معجزه کنیم." (بامداد - ۵۹/۳/۱۷)

و مانند تمام استثمارگران و حامیان سرما به به آنها توصیه میکند: "من" دو چیز از شما میخواهم: کار کنید و کمتر مصرف نمائید" (همانجا).

زنان

بنی‌صدر چه در دوره‌ی خیز برداشتن بطرف قدرت و چه در زمان اقتدار خود، در مقابل سرکوبهای مداوم و ششانی رژیم جمهوری اسلامی در زمینه‌ی حقوق و آزادیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان، با حفاقت میگرفت و با آنها را بطور ضمنی و حتی صریح مورد تأکید قرار میداد ولی هیچگاه به آن جنایات اعتراض نکرد. امروزه در "میثاق" بحیال جبران مافات، علاوه بر تاکید به "آزادی پوشش زن و مرد"، اضافه میکند:

"جامعه‌ی اسلامی و رشید پدیدار نمیکرد مگر اینکه زنان شخصیت کامل خویش را از هر لحاظ بدست بیاورند و حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مناسب با این شخصیت را پیدا کنند."

بنی‌صدر در "میثاق" گویا "تصادف حقوق اجتماعی زنان را فراموش میکند و نیز "تصادف" از زیاد میبرد که از برابری زنان و مردان در "جامعه‌ی اسلامی و رشید" ذکری بعین آورد. این فراموشی مصلحتی از این باب است که او نمیتوانست یا تمیخت با اصول مسلم حقوق اسلامی و بسا نصوص صریح قرآن، در تصاد ببیند. و این مشکل بود که مجاهدین مثلاً برای برخورد بسا لایحه‌ی قرون وسطایی و ضدانسانی "قصاص" ماهها با آن مواجه بودند. این مشکل تمام کسانسی است که میخواهند بین علم و موجهات میان بسر بزنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

ربودن ناوچه تبریزین:

آخرین دسته گل "ارتش مکتبی"

پس از ورود بنی‌صدر و مسعود رجوی به خاک فرانسه و تقاضای پناهندگی از آن کشور، و رد تقاضای جمهوری اسلامی در استرداد آنان از طرف دولت فرانسه، روابط دو کشور تیره شد. ایواشان و حزب اللهی‌های رژیم در مقابل سفارت فرانسه بی‌توجه‌گردند و تفرق برآه انداختند. رژیم مفلوک و درمانده جمهوری اسلامی بی‌میل نبود که رونوشت طرح سفارت آمریکا را در اینجا پیاده کند و نمایندگان "ضد امپریالیستی" جدیدی بروی صحنه آمدند. انقلاب چهارم (بدنیال انقلاب اسلامی) اشغال سفارت آمریکا، ریاست جمهوری رجایی را از جعبه‌های مارگری مخفی شده در زیر میز، بدر آورد و بنی‌رژیم جمهوری اسلامی نقد و بختی و گریز فتاری داشت و "دانشجویان پیرو خط امام" در ارگانه‌های سرکوب آنچنان مشغله داشتند که روی صحنه آوردن تکلیف‌پیش‌صخره "ضد امپریالیستی" دیگر، مقرون بصرفه نبود. و معتزلاً زاین، پشم کلاه "ضد امپریالیست" بودن رژیم اسلامی مدتهاست که ریخته و کمترین اعتقادی در نزد خود ندارند. بنا بر این، سردمداران رژیم در نماز جمعه‌های دانشگاه تهران، "امت همیشه بیدار در صحنه" را تشویق کردند که با حضور خود در مقابل سفارت فرانسه علیه امپریالیسم فرانسه شعار دهند (اوج حضور امت در مقابل سفارت فرانسه و بعد از نماز جمعه بود که تعداد آن از ۵ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد). البته "رهبران" فراموش نکردند که در ضمن به "امت" توصیه کنند که "حتی به دیوار سفارت هم نزدیک نشوند".

دولت میتران برای اینکه به سرنوشت دولت کارتر دچار نشود (اشغال سفارت - مبارزه ضد امپریالیستی - مرگ بر آمریکا، مرگ بر کارتر - بالاخره تحویل گروگانها به کارتر)، از در سازش درآمد: بنی‌صدر را از هرگونه تماس با روزنامه‌نگاران فرانسوی و صاحبان آنها منع کرد، فرانسوا میتران انتخاب رجایی را بریاست جمهوری بلافاصله تبریک گفت و بالاخره دردهم مرداد، سه ناوچه موشک انداز را که مدتها در بندر شربورگ توقیف بودند روانه ایران کرد.

تعام این "آرایش"ها، خشم دولت جمهوری اسلامی را فرو نشاند و وزارت خارجه جمهوری اسلامی به "سفیر فرانسه دستور داد که ظرف سه روز خاک ایران را ترک کند". دولت فرانسه هم - قسمت را ظریف و دستور داد که کلیه اتباع آن خاک ایران را ترک کنند. دولت مکتبی نه شرقی و نه غربی، سراسیمه و دست‌پاچه شد و بطوریکه در صفحات روزنامه‌ها و در صدا و سیما جمهوری اسلامی بکرات دیدیم، به "ظلم کرد" افتاد و بی‌معنای رسیدگی به امور مالی و حقوقی، خرج اتباع فرانسوی چند روزه تاخیر انداخت تا شاید با مذاکره با مقامات فرانسوی، دولت فرانسه از تصمیم خود

منصرف شده، ولی نتیجه‌ای نگرفت. فرانسویان در دگر و گره خاک ایران را ترک کردند. مرغهای سفارت فرانسه که میتوانستند تضمین مرغهای طلایی برای گروگانگیری بگذارند، از قفس پریدند، بنی‌صدر و رجوی در خاک فرانسه باقی ماندند. وقتی که در همین هواپیما حامل فرانسویان در فرودگاه "اولی" زمین نشست، منع هرگونه تماس با روزنامه‌نگاران فرانسوی و صاحبان آنها و انجام هرگونه فعالیت سیاسی در خاک فرانسه، بصورت "دوفاکتو" لغو شد. اظهار نظرها و مصاحبه‌های بنی‌صدر و رجوی با مطبوعات و رادیو تلویزیونهای فرانسوی از سرگرفته شد.

کلاه گشاد دیگری که بزرگترین مفلوک و بی‌لیاقت مکتبی رفت، بوده شدن حداقل یک ناوچه موشک انداز (ناوچه "تبریزین") از سه ناوچه‌ای بود که دولت فرانسه آزاد کرد. غالب است که بدانیم این ناوچه ۳۴ ساعت پس از بهمین نشستن آخرین هواپیما، حامل فرانسویان در فرودگاه پاریس و ۱۴ روز پس از حرکت ناوچه‌ها، زنده در شربورگ رسیده بود. وقتی که صفحات روزنامه‌ها و اخبار رادیو تلویزیونهای سرتاسر جهان این خبر را ساعت به ساعت به عنوان مهمترین خبر روز نقل کردند، رژیم درمانده جمهوری اسلامی ۳۴ ساعت در این زمینه مطلق سکوت کرد و پس از آن، صدا و سیما، جمهوری اسلامی این خبر را "رسم" تکذیب کرد و سرانجام چاره‌ای جز این ندید که با ضربه ساری آنرا تأیید کند.

ربودن ناوچه "تبریزین" بدین شکل انجام شد که در ریاسالار حبیب‌اللهی، آخرین فرمانده نیروی دریایی در زمان شاه، به همراه عده‌ای بین ۱۵ تا ۴۰ نفر (به روایات مختلف) از افسران سابق نیروی دریایی با یک یدک کشتی آسیائی به ناوچه‌ها نزدیک شدند. افراد مستقر در یدک کشتی پس از خلع سلاح ۱۲ حزب اللهی، ناوچه را به تصرف خود درآوردند و آنرا گویا بطرف بندر طنجه صدر مراکش بردند. بنا به گزارش خبرنگار رهبا، افسران و ملوانان ناوچه نه تنها در مقابل ریابندگان ناوچه کمترین مقاومتی نشان ندادند، بلکه از آنها بشدت استقبال کردند. ربودن ناوچه صلحاً بدون همکاری و همدستی خود، داخل ناوچه امکان ناپذیر بود. بدو دلیل مهم:

- ۱- ناوچه موشک انداز که مجهز به تپه‌های قوی بود، برحالی میتوانست در مقابل یک یدک کشتی از خود دفاع کند.
- ۲- ناوچه ۳۳۰ تنی، به جای کسانده شدن بواسطه یدک کشتی، با موتور بسیار قوی خود برحالی قادر بود که یدک کشتی را بدینا لنگش بکشد. ربودن ناوچه چه تبریزین و همگاری وسیع افسران و ملوانان نیروی دریایی جمهوری اسلامی را بایندها، ناوچه یکبار

فراریک رفیق کمونیست از زندان کمیته مرکزی مشهد

یکی از هواداران سازمان طادر مشهد، اخیراً موفق به فرار از زندان کمیته مرکزی مشهد شده است و گزارشی ارسال داشته است که در زیر بخشی از آن با تفسیرات جزئی درج میشود:

هنگامیکه او با شان کمیته (۹ نفر مسلح به ۳ و ۴ بوزی و کلاشینکف، ۲ بیگان و یک بنوشتری رنگ ۲۲۰، و دو نفر صیغی محلی) به خانه ام حمله کردند و در کوشش به فرار ناموفق ماندم، معاون عطیاتی به من گفت:

"مگر میتوانی از دست ما در بروی، مسامکن را در هوا میزنیم."

این لافزنی خاطره ای لاف و گزاف گویی های ساواک را در ذهنم زنده کرد. مهربانتر از ۲ ساعت از دستگیری، موفق شدم از سلول انفرادی کمیته مرکزی در خیابان جم مشهد بگریزم در حالیکه این کمیته در محاصره ای ارگانهای ضد انقلاب بی ودولتی چون دفتر تبلیغات سپاه پاسداران و پاسگاه افسران لشکر ۷۷ مشهد، و اداراتی چون پست مرکزی شعبه مرکزی بانک صادرات و شعبه مرکزی بانک ملی قرار دارد که همگی دارای نگهبانان مسلح هستند. به علاوه در ابتدای خیابان جم نیز کمیته ای گشت شبانه سپاه پاسداران واقع شده است. باری و همدرد سازمان در مقاله ای مربوط به فرار رفقا از زندان با بیل در راهی شماره ۹ که میگفت:

"در بدترین زندانها نیز میتوان و باید سرمایه را سازمان زدندی کرد."

و همچنین عشق به آزادی و سوسیالیسم و تحریکات گذشته ام در فرار از دست دشمنان مسلح ساواک، مشوق من بودند. باید بگویم که کسک و بازی مردم پس از معرفی خودم در همه زمینها لباس، پول، ماشین و جادادن من در خانه اشان، واقعاً نشان دهند هی روحیه مبارزاتی مردم است.



فرار رفیق ضربه ای دیگری برد زحیمان جمهوری اسلامی و افشاگرانزیا و عجز و زبونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است. باید توجه داشت که او با شان رژیم اکنون از اسناد و پرونده های ساواک و ما موران آن برای تصقیب و دستگیری مبارزین استفاده میکند و هنوز تا تمام تلاش خود و "حکم شرعی" خمینی نیز موفق به جلب همکاری مردم برای جاسوسی نگشته است. در مورد رفیق نیز، این دشمنان ارتجاعی حافظ سرمایه با استفاده از پرونده ای وی در ساواک بخاطر صابقی میا رزائی، و نه اطلاع از فعالیت کمونی، به تصقیب او پرداخته بودند که خوشبختانه با شکست مفتضحانه ای مواجه شدند.

رفیق همچنین گزارشی از وضع زندان کمیته مرکزی مشهد تهیه کرده است که در شماره آینه درج خواهد شد.

نگاهی به . . .

است. (باعداد ۷ بهمن ۵۸)
۲) تاکید ها در این مقاله همه جا از است.
۳) البته آن دسته از "کمونیستهای بی" که حاضر به خرحالی مفت و مجانی برای بورژوازی و خرده بورژوازی باشند و مشاق را بی چون و چرا بپذیرند و "صحنه برای تحقیق آن تلاش کنند"، میتوانند در رگاب آقای بنی صدر و برای آقای بنی صدر رخصت بزنند.

و بودن . . .

دیگر و رشکستکی سیستم اسلامی کردن ارتش شاهنشاهی را بخواهی نشان میدهد. بعد از قیام ۲۲ بهمن ۵۷، نیروهای دموکرات بطور نا بگسره، کمیته ها بطور بگسره، بکرات اعلام داشتند که سیستم شاهنشاهی و امریکایی ارتش را با اعدام چند ژنرال مزدوره نمیتوان تفسیر داد، و برای ایجاد یک ارتش توده ای، باید ضوابط این سیستم را در هم شکست و نظام شورایی را در گلبه ارگانهای ارتش مستقر کرد. ولی رژیم جمهوری اسلامی بخاطر ماهیت ضد مردمی خود از همان آغاز به بازسازی نظام شاهنشاهی پرداخته و ضوابط انقلابی نیروهای مسلح را سرکوب کرده و پرسنل انقلابی و دموکرات ارتش را اخراج و دستگیر و زندانی و در مواردی به جوخه آتش سپرد. ژنرالهای آریامهری را پس از "توبه اسلامی" بحد مت گرفتند، ساواکی ها و مزدوران منفور رژیم را از نو بکار دعوت کرد و رکسین د و ارتش (با همان پرسنل سابق) و دادگاههای نظامی سابق را برپا ساخت یک آخوند از نو بسراوه انداخت. رژیم جمهوری اسلامی، هرروزه ضربه ای تازه ای از همین "ارتش مکتبی" دریافت میکند. و ریودن ناوجه موشک اندازه تازه ترین - نسه آخرین - نمونه است. و این سر نوشت تمام رژیم های ضد انقلابی است که بجای اعتقاد به توده ها به سیستم سرکوب سرمایه داری متصل میشوند و بخیال خام خود با قرائت چند آیه قرآن، زیربنای یک سیستم را تفسیر میدهند. رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی که بجای اعتقاد به توده های انقلابی ارتش به ژنرالهای آریامهری و احیا نظام شاهنشاهی ارتش دل بست، باید در انتظار ضربه های دیگری مملکت تری از این ارتش باشد.

در اینجا جالب است یادآوری کنیم، پس از انتخاب میران برپاست جمهوری (در دوره انتقال قدرت از نیکسار دستن به میران) و وقتی که رمون بار، نخست وزیر وقت فرانسه، خواست مخفیانه سه ناوجه را به ایران تحویل دهد، نظر پندگان سوسیالیست (بهتره شارل هرفوه نظایند) سابق سوسیالیست و وزیر دفاع کمونی فرانسه، در مجلس جنجال عجیبی بها کرده و این عسبل را شدیداً محکوم کردند. ما در شماره ۷۵ رهاگی در این باره به تفصیل سخن گفته ایم.

اخبار...

مس سرچشمه

سواری دادنها، تنها پاداشی که تاکنون از رژیم سرمایه داری گرفته اند، اینست که فعلا از دستگیر ی و اعدام معاف شده اند و همچنین نشریه خود را آزادانه پخش میکنند. در موارد دیگر رژیم بسا آنها چون دستمال کاغذی مستعمل رفتار میکند. نمونه ی فوق یکی از این موارد و حذف نمودن نمایندگان ایشان، به همراه نمایندگان جریانست همراه شان یعنی "حزب توده" و "حزب کارگران انقلابی" که به همراه "اکثریت" رژیم سرمایه داری را تظهير کرده و بر جنایات آن سرکوش میگذارند، مورد دیگر و گویا تریست.

بهرحال، به اصطلاح "حزب کمونیست عراق" به تجربه ی طمع شرکت در حکومت بعث عراق در کنار البکر و صدام حسین را چشید (یعنی پس از کمک به رژیم جنایتکار عراق در سرکوب انقلابیون و هموار کردن راه رشد سرمایه داری در عراق از حکومت اخراج و کادرها پیش اعدام شدند)، "اکثریت" و حزب توده و "حزب کارگران انقلابی" نیز از این تجربه بی نصیب نخواهند ماند. البته اگر عمری برای رژیم جمهوری اسلامی باقی باشد!

اصفهان

اخیرا استانداری اصفهان مقداری روغن موتور معادل ۳۰۰ میلیون دلار از خارج خریداری کرده است. این روغنها از دوی به بندر عباس حمل شده اند، ولی پس از پهلویگیری در بندر عباس معلوم شده است که کالاهای حمل شده روغن موتور سوخته و غیر قابل استفاده است. بدین خاطر هنوز تخلیه ی کالاها انجام نگرفته است.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که در طی دو سال و نیم حکومت ارتجاعی خود، کشور را غارت کرده اند به اوج ورشکستگی اقتصادی رسانیده اند اکنون که به منتهی الیه در ماندگی سیاسی خود نیز نزدیک شده اند، قصد دارند تمامی ثروت زحمتکشان ما را به آتش بکشند. دیگر شمارهی مواردی که حضرات بطرق مختلف بقایای اسباب و دارایی توده ی زحمتکشان را به باد داده اند، از حساب خارج شده است: ارز خارج کردن بهیشتی، ارز خارج کردن رفسنجانی، چپاول درامیال، بنیاد مستضعفان، توسط بهیشتی و سایر

شرکای حزب جمهوری اسلامی، قرار داد ۵۶ میلیون دلاری خرید اسلحه (که طی آن ۶۰ میلیون دلار یکجا و بطور بلاعوض تحویل دلالان بین الملل شد)، خرید اسلحه از اسرائیل... و این فهرست ناقصی است از کتاب قطور جنایات رژیم جمهوری اسلامی و مهره های گوناگون آن. ولی در مباد روزی که دستان پرتوان کارگران و زحمتکشان مبین ما این ظالمان نوکمه را کنار همالکیهای آریا مهربشان بفرستند.

اخیرا کارکنان مجتمع مس سرچشمه اظهار داشته اند که بخشنامه ای به امضای وزیر صنایع دریافت شده که در آن از زنان خواسته شده با چادر و نه فقط حجاب اسلامی، به سرکار روند و زنان خانه دار نیز حجاب را رعایت کنند.

سپاه پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع نیز دختر بچه ی ۱۰ ساله ای را که بدون حجاب بود دستگیر و به خانواده ی وی اخطار میکنند که دیگر او را بی حجاب بیرون نفرستند. این حامیان سرمایه سپس به خنایان باسمن رفته و دختران و پسرانی را که به بازی والیبال مشغول بودند، دستگیر و پس از گرفتن تصدیق دال بر عدم تکرار اینکار آنها را رها میکنند.

قابل توجه است که تعدادی از دخترانی که از یوگوسلاوی به مجتمع آمده اند، اخیرا با لباس ورزش (پیراهن و شورت) در ورزشگاه "مردانه" مجتمع به بازی پرداخته اند و این تفاوت و تمیض به شدت موجب ناراحتی زنان مجتمع شده است.

کوته بینی و کوته اندیشی مصلی ظلم رژیم در قالب کلمات قابل توصیف نیست. ورزشگاه باید "مردانه" باشد! دختر، ۱۰ ساله بدون حجاب دستگیر میشود! زنان در دست مثل زنان رضاشاه (منتهی بالعکس) حق تصمیم به رعایت یا عدم رعایت حجاب را ندارند!... رژیم که از طرفی در اوج بحران اقتصادی و سیاسی تقلا میکند و دست و پا میزند و از حل کوچکترین مشکلات روزمره عاجز و زبون است، در رصد داست بر تمام جوانب زندگی مردم نیز جنگ بیندازد و تفکرات ارتجاعی، پوسیده و استخراج شده از اعطاق لجنزارهای دوران وحشیگری را برهمگان تحمیل کند. به واقع که صخره و از آن گذشته سئوال پراکنج است: چگونه رژیمی که از اجرای ساده ترین برنامه های اجتماعی ای ناتوان است، امکان کنترل دراز مدت بر جوانب شخصی زندگی ۳۶ میلیون انسان را به مخیله ی خود راه میدهد؟ مسلما چنین امری از ذهن سالم و عادی بعید و غیر قابل تصورات است.



تذکر

از رفقا و هواداران میخواهیم که اخبار خود را حتی المقدور با ذکر تاریخ، محل و زمان دقیق وقوع و بطور مشروح از هر طریق ممکن و هر چه سریعتر برای ما ارسال دارند. در صورت عدم دسترسی به تاریخ دقیق، لطفا تاریخ را به صورت هفتگی قید کنید. مثلا: "در هفته ۲۳-۳۰ مرداد ۰۰". دقت در جزئیات خبر، تعیین درجه ی صحت اخبار و خوش خطی نوشته ها، درکبیت و کیفیت ارا، نهای خبر بسیار موثر خواهد بود.

کشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند



بند انزلی

* چهارتن از هیاداران معاهدین به کمک یک پاسدار و به همراه وی از زندان انزلی نسرار کرده اند.

تهران

* پنجشنبه ۲۹ مرداد، انفجار شدیدی در ساختان کمیته خیابان زنگان رخ داد و خسارات زیادی وارد کرد. در این انفجار چندین نفر از کمیته چی‌ها کشته و زخمی شدند. ولی رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی که اخیرا به سانسور این اخبار پرداخته و فقط "کف" خانه های تیمی را گزارش میدهد، هنوز این خبر را منتشر نکرده است.

* روز جمعه ۳۰ مرداد، حدود ساعت یک بعد از ظهر اوضاع کمیته چی ساختان کسری را در خیابان ایران شهر محاصره کردند و طبق معمول با بلندگوها از ساکنین آن خواستند که ساختمان را تخلیه کنند. پس از قریب دو ساعت مطیبات مضحک و تقلید از فیلمهای وسترن مبتذل در میان مردم نظاره گر شایع کردند که ۶ نفر را دستگیر کرده اند و ۲ نفر نیز خودکشی کرده اند ولیس بهنگام ترک محل همه شاهد بودند که حتی یکی نفر غیر پاسدارو کمیته چی در اتومبیل های آنها وجود نداشت.

ابعاد دروغ وقتی روشن تر شد که اخبار تلویزیون اعلام کرد ۳ نفر با نارنجک خودکشی کرده اند. و این درحالیست که در تمام مدتی که کمیته چی‌ها به آرتیست بازی مشغول بودند، در مجموع شاید فقط ۶ تیر و ۳ شلیک شد که آن هم تیراندازی هوایی و به منظور دور کردن مردم از صحنه انجام گرفته، و به هیچوجه صدای انفجار نارنجک به گوش نرسید.

از این مسخره ترینکه، کابوی های کمیته چی فراموش کرده بودند که ساختان کسری دفتر شرکت های مختلف است و اولاً آنرا نمیتوان خانه تیمی توصیف کرد، و ثالثاً اینکه کمتر کمیسی (بخصوص امروزه با اوضاع ورشکسته ای اقتصادی) روزهای جمعه به شرکت میرود. بهر رو، قصد دستگاه های تبلیغاتی از عمد م

انتشار اخباری مثل خبر انفجار در کمیته خیابان زنگان و انتشار اخباری از نوع "کف" خانه تیمی واضح است. با اینکار، چنانچه کاران رژیم قصد دارند اخبار مبارزاتی تسوده ها و ضربات پی در پی بر خود را از مردم پنهان نگاه دارند و از طرف دیگر با انتشار اخبار مربوط به خانه تیمی و دستگیری و غیره خسود را قدرتمند و شکست ناپذیر جلوه دهند و همچنین دروغ مربوط به جاسوسی مردم را با بوق و کرنا بزرگ کنند. ولی کورخونده اند! زیرا هم مردم اخبار مبارزاتی را دهان به دهان و هم چنین با پخش نشریه های انقلابی در سطح جامعه منتشر میکنند. و هم اینکه حضرات بهر ای جاسوسی فقط ناچاره متصل به ما موران "توبه" کسردمی ساواک و معدودی حزب اللهی مظلوم هستند.

مردم زحمتکش ما پس از سالها زندگی زیر سر نیزمهای رژیم شاه و سا زمان جبهی ساواک فریب خزه لاتی از قبیل "سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی" و غیره را نخواهند خورد. رژیم جمهوری اسلامی تنها باید به ما موران ساواک و بازسازی سازمان امنیت آریا مبری به کمک سازمانهای جاسوسی خارجی تکیه کند.

* در حدود دو هفته قبل، تصاددی "رهایی" در محل ایستگاه اتوبوسها در سه راه آذری نسرار داده شده بود که با مشاهده آنها مردم آنها را برداشته و به یکدیگر میدادند و با خوشحالی میگفتند: "نشریه!"

در حدود یک ربع پس از آن، محل توسط کمیته چی‌ها و پاسداران ششول بند محاصره شد و عابرین "مشکوک" مورد جستجو قرار گرفتند.

* به یکی از هیاداران "اکثریت" که مدت کمی یک تاکسی خریده است، از طرف "شرکت تعاونی تاکسیرانی" به وی اخطار شده است که حق راندن تاکسی را ندارد، زیرا به موجب اعلامیه ای "دادستانی انقلاب" وی دارای سو پیشینه کیفری است. چون در سال ۵۰ زندانی سیاسی بوده است و در صورتیکه تاکسی را نفروشد، آنرا صادره خواهند کرد.

پس از قیام رژیم جمهوری اسلامی در مظالم فشار تسوده ها به ناچار اعلام کرد که سابقه زندانی سیاسی سو پیشینه محسوب نخواهد شد، ولی چه زود این را نیز همچون دستاورد های قیام بهمین زیریا گذاشت. اکنون کسانی که بخاطر مبارزه علیه رژیم شاه به زندان افتادند، از نظر رژیم منفر جمهوری اسلامی نیز مجرم محسوب میشوند. برای نشان دادن اینکه نظام حاکم نظامی نکرده، دلیلی بهتر از این لازمست؟

با تمام در روزگی که با اصطلاح فدائیان "اکثریت" در درگاه رژیم جمهوری اسلامی انجام میدهند و با تمام چاپلوسیهها، جاسوسی ها و خسر

هسته های مقاومت تسوده ای را سازمان دهیم